

نظریه کنترل اجتماعی با نگاه به آیات قرآن و روایات با تأکید بر تعاون و حمایت

نفیسه متولی زاده نایینی*

تاریخ دریافت: ۹۶/۵/۲۱

تاریخ پذیرش: ۹۶/۸/۶

چکیده

اسلام دینی همه‌جانبه‌نگر است که تمام جنبه‌های فردی و اجتماعی زندگی انسان‌ها را در نظر دارد. قلمرو قواعد و آموزه‌های اسلامی متوقف بر امور فردی نیست. توجه به شؤون اجتماعی از اهم مسائل مورد توجه آیین اسلام است. برقراری وفاق و همبستگی در امت اسلامی و ایجاد پیوند میان افراد و جامعه از مهم‌ترین مسایل مورد توجه در آموزه‌های دین اسلام است. در این آموزه‌ها به منظور تقویت پیوند اجتماعی در جامعه و پایبندی افراد به قیود اجتماعی که به نظر هیرشی (از نظریه‌پردازان کنترل اجتماعی در حوزه جرم‌شناسی) علت هم‌نوایی و عامل اصلی کنترل رفتارهای فرد است، راه کارهای متعددی پیش‌بینی شده است که یکی از مهم‌ترین آن‌ها تعاون و حمایت می‌باشد. در این نوشتار با بررسی موضوع تعاون و حمایت در قرآن، به بحث در مورد تأثیر آن در کنترل رفتارهای فرد در یک جامعه اسلامی خواهیم پرداخت. در خصوص کنترل اجتماعی در آموزه‌های اسلام بیش‌تر به موضوع امر به معروف و نهی از منکر پرداخته شده و نقش تعاون و حمایت در کنترل اجتماعی مطابق آیات قرآن و روایات مورد بررسی قرار نگرفته است.

کلیدواژگان: جرم، انفاق، صلح، رحمت، تعهد، مشارکت، همبستگی.

مقدمه

در خصوص علل کجروی، نظریات مختلفی با رویکردهای متفاوت بیان شده است. الگوی کنترل اجتماعی تراویس هیرشی در میان نظریه‌های بیان‌شده در حوزه رویکرد کنترل یکی از مهم‌ترین آن‌هاست. این الگو که گاه با نام نظریه پیوند از آن یاد می‌شود (رگلی، هویت و دلیسی، ۲۰۰۹: ۲۰۳). پیدایش کجروی را معلول ضعف همبستگی در گروه‌ها و نهادهای اجتماعی و تضعیف اعتقادات و باورهای موجود در جامعه می‌داند. مطابق نظر هیرشی، جامعه یا گروهی که در میان اعضای آن وابستگی‌های متقابل و قوی وجود داشته باشد بیش از جامعه یا گروهی که اعضای آن بستگی محکمی با هم نداشته باشند، قادر به اعمال کنترل بر اعضای خود خواهد بود (هیرشی، ۲۰۰۲: ۱۶ و ویتو، ماهس و هلمز، ۲۰۰۶: ۱۸۶). در واقع موضوع این نظریه آن است که چه عواملی باعث کنترل رفتارهای افراد در یک جامعه می‌شوند (ممتاز، ۱۳۸۱: ۱۰۷)

تراویس هیرشی چهار عنصر زیر را به عنوان عناصر پیونددهنده افراد به یکدیگر و جامعه و به تعبیر دیگر چهار متغیر کنترل‌کننده رفتار معرفی می‌کند:

۱) دلبستگی: دلبستگی منسوب به احساسات و علایقی است که یک شخص نسبت به دیگران دارد. وابستگی فرد به اشخاص دیگر در خانواده، محیط و نهادهای اجتماعی، یکی از شیوه‌هایی است که فرد، خود را از این طریق به جامعه پیوند می‌دهد. ضعف چنین پیوندهایی موجب می‌شود که او نگران به خطر افتادن روابط اجتماعی خود نباشد. برای مثال، امکان دزدی یا خودکشی فرد مجرد بیش‌تر از فرد متأهل است و این امر به دلیل پیوندهای اجتماعی و وابستگی‌های شخص متأهل می‌باشد (ستوده، ۱۳۸۴: ۱۳۸-۱۳۹).

۲) تعهد: افراد در هر جامعه به منظور دستیابی به اهداف و کسب منزلت و حسن شهرت، وقت و انرژی خود را صرف می‌کنند و به فعالیت‌های متداول زندگی متعهد هستند. از این رو به منظور حفظ موقعیت و پایگاه اجتماعی که با تلاش خود به دست آورده‌اند، مرتکب رفتارهای مجرمانه نخواهند شد (همان).

۳) درگیری (مشارکت): این عنصر بیانگر میزان درگیری و مشارکت در نقش‌ها و فعالیت‌های اجتماعی است. مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و امور زندگی روزمره وقت

زیادی نیاز دارد و معمولاً کسانی که درگیر کار، زندگی خانوادگی و ... هستند، کم‌تر فرصت هنجارشکنی پیدا کرده و وقت و انرژی اضافی برای ارتکاب جرایم ندارند؛ اما اشخاصی که در فعالیت‌های مرسوم و متعارف جامعه مشارکت ندارند، فرصت و آزادی عمل بیش‌تری برای دست یازیدن به رفتارهای مجرمانه می‌یابند. به همین دلیل آسیب‌شناسان اجتماعی معتقدند که افزایش سال‌های تحصیل، انجام خدمت نظام وظیفه و فراهم بودن امکانات ورزشی، باعث کاهش بزهکاری در میان جوانان می‌شود(همان).

۴) اعتقاد(باور): آخرین مؤلفه نظریه پیوند اجتماعی، اعتقاد یا باور است. هیرشی معتقد است که به هر میزان که اعتقاد فرد به اعتبار قواعد اخلاقی و اجتماعی ضعیف‌تر باشد، احتمال ارتکاب رفتارهای مجرمانه از سوی او بیش‌تر خواهد بود. فردی که خود را تحت تأثیر اعتقادات معمول در جامعه نبیند، هیچ وظیفه اخلاقی را برای همنوایی با قوانین رسمی و غیررسمی برای خود متصور نیست(همان).

بنابراین هیرشی معتقد است که هنگامی که این تقیدات، تعلقات و تعهدات ضعیف شود و در نتیجه آن، پیوند افراد با جامعه سست شود، احتمال کجروی بیش‌تر خواهد بود(احمدی، ۱۳۸۴: ۹۱).

در واقع در یک جامعه اسلامی نیز تعاون و حمایت با تقویت پیوند افراد با یکدیگر و با جامعه نقش بسیار مهمی در کنترل رفتارهای فرد خواهند داشت. تعاون و حمایت به معنای هم پشت شدن و یکدیگر را یاری کردن و مشارکت در کارها از دستوره‌های مهم اسلام است و بر مردم است که به آن عمل نمایند. البته زمینه روانی این تعاون و همکاری را همان محبت و اخوت ایمانی و مودت و همبستگی میان اعضای جامعه بر محور خداخواهی، به وجود می‌آورد و اخلاق حسنه نیز آن را تقویت می‌کند(جوان، ۱۳۸۳: ۱۳۵). وجود این اتحاد و همبستگی میان افراد یک جامعه از بروز بسیاری از انحرافات جلوگیری خواهد نمود.

در خصوص نقش تعاون و حمایت به عنوان یکی از ابزار کنترل اجتماعی و راهکار پیشگیری از جرم کتاب، مقاله و پایان نامه‌ای یافت نشد و در اکثر منابع موجود در زمینه کنترل اجتماعی در اسلام از جمله مقاله «نظارت اجتماعی در اسلام» نوشته آقای سعید/میرکاو در فصلنامه مبانی فقهی حقوق اسلامی یا مقاله «نظارت و کنترل اجتماعی»

نوشته آقای حسین غفاری فر در فصلنامه مطالعات زنان به مسأله امر به معروف و نهی از منکر و ضمانت اجراهای اخروی و نقش آن‌ها در کنترل اجتماعی پرداخته و به نقش تعاون و حمایت اشاره نشده است.

در مورد ارتباط و همیاری و حمایت، آیات و روایات بسیاری وجود دارد. خداوند در قرآن دستور می‌دهد: ﴿تعاونوا على البر والتقوى ولا تعاونوا على الاثم والعدوان...﴾ (مائده/۲): «در نیکوکاری و پرهیزکاری به یکدیگر کمک کنید نه در گناه و ستمکاری».

در سوره عصر نیز می‌خوانیم: ﴿والعصر ان الانسان لفي خسر الا الذين امنوا و عملوا الصالحات و تواصلوا بالحق و تواصلوا بالصبر﴾: «قسم به عصر که انسان در خسارت و زیان است، مگر آنان که به خدا ایمان آورده و نیکوکار شدند و به درستی و راستی و پایداری در دین یکدیگر را سفارش کردند». یعنی مؤمنین همدیگر را به حق و صبر توصیه می‌کنند و برای استقامت جمعی در پیروی از حق به یکدیگر یاری می‌رسانند که این خود نوعی همکاری و تعاون است.

کمک به مؤمنین و برآوردن نیازهای آن‌ها نیز در راستای تعاون و همکاری در جامعه اسلامی است که در این خصوص امام علی(ع) فرموده‌اند: «یا عجباً لرجل مسلم یجیئه اخوه المسلم فی حاجة فلا یری نفسه للخیر أهلاً فلو کان لا یرجو ثواباً ولا یخشی عقاباً لقد کان ینبغی ان یسارع الی مکارم الاخلاق فإنها ممّا تدلّ علی سبیل النجاة» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۲: ۴۳۷): «شگفت‌آور است رفتار مرد مسلمانی که برادر دینی‌اش برای حاجتی نزد وی می‌آید، او خود را مرد این کار خیر نمی‌بیند و از انجام آن شانه خالی می‌کند، این فرد مسلمان اگر بر فرض، امیدی به پاداش الهی و خوفی از عذاب خدا نمی‌داشت، باز هم شایسته بود از جهت مکارم اخلاق به این کار سبقت گیرد و با سرعت حاجت او را برآورده سازد. زیرا مکارم اخلاق، خود از عوامل رستگاری و هدایت‌کننده به راه نجات است».

در واقع تعاون و یاری رساندن به دیگران، باعث نزدیکی افراد به یکدیگر و پیوند آن‌ها می‌شود و موجبات همدلی و همبستگی آن‌ها را به وجود می‌آورد و همین ارتباط با دیگران و احساس تعهد کردن نسبت به آن‌ها و مشارکت در کارها با آن‌ها، نقش بسیار مهمی در پیوند افراد یک جامعه با یکدیگر خواهد داشت. در اخلاق و شرع اسلامی شمار

زیادی از آموزش‌ها و مقررات وجود دارد که تحت عناوین مختلف مردم را در مقابل یکدیگر مکلف و مسئول قرار داده است تا اولاً از حال یکدیگر باخبر شوند و ثانیاً در رفع حواجی یکدیگر بکوشند. این تعالیم که در این قسمت به مهم‌ترین آن‌ها می‌پردازیم می‌توانند آثار غیر قابل انکاری در پیشگیری از بسیاری از جرایم داشته باشند. به طور کلی رفتارهای حمایتی را می‌توان به حمایت‌های عاطفی و معنوی و حمایت‌های مادی تقسیم نمود.

الف) حمایت‌های عاطفی

یکی از مهم‌ترین عامل‌های پیوند افراد با جامعه خود، حمایت‌های عاطفی و معنوی است که با افزایش تعلق افراد به یکدیگر می‌تواند از بروز ناهنجاری‌ها جلوگیری نماید.

۱) صله رحم

یکی از اموری که آموزه‌های دینی برای آن اهمیت بسیاری قائل است، مسأله «صله ارحام» است. صله رحم، عبارت از نیکی کردن به خویشاوندان و همدردی و کمک به آنان با جان و مال و هرچه از خیر که در توان انسان است می‌باشد و قطع رحم به آن اموری گفته می‌شود که خلاف این رویه باشد (رضایی، ۱۳۸۴: ۵۳). با توجه به آثار ژرف صله رحم در حوزه فردی و اجتماعی و زندگی دنیوی و اخروی انسان، آیات و روایات به طور گسترده بر آن تأکید ورزیده و اهمیت آن را گوشزد کرده‌اند.

قرآن کریم کسانی را که قطع صله ارحام می‌کنند، در شمار زیانکاران قرار داده است: ﴿الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ﴾ (بقره/۲۷): «کسانی که پیمان خدا را پس از بستن آن می‌شکنند و آنچه را که خدا به پیوستن آن فرمان داده می‌گسلند و در زمین فساد می‌کنند زیانکاران‌اند». همچنین مطابق آیات ۲۲ و ۲۳ سوره محمد، ﴿فَهَلْ عَسَيْتُمْ أَنْ تَتَّخِذُوا فِي الْأَرْضِ وَتَقْتُلُوا أَرْحَامَكُمْ أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَارَهُمْ﴾: «آیا اگر به حکومت رسیدید، می‌خواهید در زمین فساد کنید و پیوند خویشاوندی‌تان را ببرید؟ اینان‌اند که خدا لعنت‌شان کرده است و گوش‌های‌شان را کر و چشمان‌شان را کور کرده است»، قطع رحم باعث لعنت خداوند و جای گرفتن در دوزخ خواهد شد.

بر اساس نقلی از امام صادق (ع) مردی خدمت پیامبر اکرم (ص) رسید و گفت: «إِنَّ لِي أَهْلًا قَدْ كُنْتُ أَصْلَهُمْ وَهَمَّ يُوذُونِي وَقَدْ أُرِدْتُ رَفْضَهُمْ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ (ص) أَذِنَ يَرْفُضُكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا قَالَ وَكَيْفَ اصْنَعُ قَالَ تَعْطِي مَنْ حَرَمَكَ وَتَصِلُ مَنْ قَطَعَكَ وَتَعْفُو عَمَّنْ ظَلَمَكَ فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ كَانَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَكَ عَلَيْهِمْ ظَهِيرًا» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷۱: ۱۰۱): «ای رسول خدا، خویشاوندانی دارم که با آنان رفت و آمد دارم، ولی آن‌ها مرا می‌آزارند. از این رو، تصمیم گرفته‌ام آنان را رها کنم. رسول خدا (ص) فرمود: در این صورت خداوند هم تو را رها می‌کند. گفت: پس چه کنم؟ فرمود: به کسی که دست رد به سینه تو زده است، بخشش کن و با کسی که از تو بریده است، پیوند برقرار کن و از کسی که به تو ستم کرده است، در گذر. اگر چنین کنی، خداوند عز و جل در برابر آن‌ها پشتیبان تو خواهد بود».

برقراری روابط منسجم، رواج تعامل، در هم آمیختگی منافع و مصالح مشترک، تلاش جهت رفع نیازهای مادی و معنوی دیگران به عنوان آثار مهم صله رحم نتایج متعددی از جمله نظارت اجتماعی را به همراه خواهد داشت.

۲) عیادت بیماران

در مکتب انسان‌ساز اسلام، عیادت مریض و دیدار او از اهمیت و ارزش ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا این رفتار نیک، مشمول رضایت خداوند است و نقش بسزایی در تحکیم روابط انسانی و صمیمیت و اخوت ایفا می‌کند. به همین دلیل رسول خدا (ص) در تفسیر آیه ﴿فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ﴾: «در هنگامی که نماز پایان گرفت در زمین پراکنده شوید»، عیادت مریض را در کنار دیگر رفتارهای ارزشمند اخلاقی ذکر کرده، می‌فرماید: «منظور آیه از پراکنده شدن در زمین، کارهای دنیوی نیست؛ بلکه منظور، عیادت مریض، تشییع جنازه و دیدار برادر دینی در راه خداست» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ۴۳۵). عیادت بیمار از حقوقی است که مسلمانان بر یکدیگر دارند که لازم است نسبت به ادای آن خود را موظف بدانند. حضرت علی علیه السلام از قول رسول خدا (ص) نقل می‌کنند که آن حضرت فرمودند: «لِلْمُسْلِمِ عَلَى أَخِيهِ ثَلَاثُونَ حَقًّا لَا بَرَاءَةَ لَهُ مِنْهَا إِلَّا بِالْأَدَاءِ أَوْ الْعَفْوِ يَغْفِرُ زَلَّتْهُ وَيَرْحَمُ عِبْرَتَهُ وَيَعُودُ مَرْضَتَهُ» (مجلسی، ج ۷۱: ۲۳۶): «هر مسلمانی نسبت به مسلمان دیگر سی حق دارد که باید آن‌ها را انجام دهد و از این

حقوق رهایی نخواهد یافت جز اینکه آن‌ها را ادا کند و یا آنکه برادر مسلمانش از او درگذرد و از جمله آن‌ها این است که هنگام بیماری از او دیدن کند». در حدیث دیگری می‌خوانیم که معّلی بن خنیس می‌گوید: به /امام صادق(ع) عرض کردم: «ما حقّ المسلم علی المسلم قال له سبع حقوق واجبات ما منهنّ حقّ إله و هو علیه واجب إن ضیع منها شیئا خرج من ولایة الله وطاعته ولم یکن لله فیه من نصیب قلت له جعلت فداک وما هی قال یا معّلی إننی علیک شفیق أخاف أن تضیع ولا تحفظ وتعلم ولا تعمل قال قلت له لا قوه إله بالله قال أیسر حقّ منها أن تحبّ له ما تحبّ لنفسک وتکره له ما تکره لنفسک ... والحقّ السّابع أن تبرّ قسمه وتجبیب دعوته وتعود مریضه» (کلینی، ۱۳۸۶، ج ۲: ۱۶۹): «حق مسلمان بر مسلمان چیست؟ فرمود: برای او هفت حق است که همه آن‌ها بر عهده برادرش واجب است و اگر چیزی از آن حقوق را ضایع کند و وظیفه‌اش را انجام ندهد از ولایت و اطاعت خدا بیرون رفته و از بندگی خدا بهره‌ای نبرده است. عرض کردم: قربانت کردم، آن حقوق کدام است؟ فرمود: ای معّلی! من بر تو نگرانم؛ می‌ترسم این حقوق را ضایع کنی و مراعات ننمایی، بدانی و عمل نکنی. عرض کردم: نیرویی جز خدا نیست امید آن دارم که با کمک خداوند بتوانم به وظیفه‌ام عمل کنم. /امام صادق(ع) در این روایت هفت حق را برای او برشمرد و فرمود: آسان‌ترین آن حقوق این است که آنچه برای خود دوست داری برای او هم دوست داشته باشی و آنچه برای خود نمی‌پسندی برای او نیز نپسندی ... و حق هفتم آن است که قسمش را ادا کنی (حقّی) (کفّاره) که به وسیله قسم بر عهده او قرار گرفته است ادا نمایی) و دعوتش را بپذیری و در هنگام بیماری از او عیادت کنی».

از پیامبر اکرم(ص) نقل شده است که فرمودند: «من حقّ المسلم علی المسلم اذا لقیه ان یسلم علیه واذا مرض ان یعوده واذا مات ان یشیع جنازته» (طبرسی، ۱۴۱۲ق: ۳۵۹): «حق مسلمان بر مسلمان آن است که وقتی او را ببیند سلام کند و چون بیمار شود از او عیادت نماید و هنگامی که بمیرد جنازه‌اش را تشییع کند». درباره ثواب عیادت بیمار نیز روایاتی رسیده است که به عنوان نمونه به چند مورد اشاره می‌کنیم. امام هشتم(ع) فرمودند: «ایما مؤمن عاد اخاه فی مرضه فان کان حین یصبح شیعه سبعون الف ملک فاذا قعد عنده غمرته الرّحمة واستغفروا له حتّی یمسی وان کان مساء کان له مثل ذلک

حتّی یصبح» (نوری، ج ۲: ۸۱): «هر مؤمنی که مؤمنی را در بیماری اش عیادت کند، اگر صبح باشد هفتاد هزار ملک او را تشییع (بدرقه و همراهی) کنند و چون نزد او بنشینند رحمت خدا او را فرا گیرد و تا شب برای او استغفار کنند و اگر شب باشد همین اجر تا صبح برای او خواهد بود».

در حدیث دیگری می‌خوانیم که رسول گرامی (ص) فرمودند: «ایما مؤمن عاد مریضا خاض فی الرّحمة فإذا قعد عنده استنقع فیها فإذا عاده غدوه صلّی علیه سبعون الف ملک الی أن یمسی وان عاده عشیة صلّی علیه سبعون الف ملک حتّی یصبح» (ابن بابویه قمی، بی تا، ج ۳: ۳۰۰): «هر مؤمنی که به دیدار بیماری برود، در رحمت خدا وارد می‌شود و زمانی که نزد آن بیمار بنشیند، در رحمت خدا فرو می‌رود. اگر صبحگاهان به عیادت او برود هفتاد هزار فرشته تا شام او را دعا می‌کنند و اگر شامگاهان از وی عیادت کند تا صبح هفتاد هزار فرشته به او دعا می‌کنند».

به دلیل اهمیت این وظیفه سنگین و حق واجب است که حضرت سجّاد(ع) آنگاه که همسایگان و دوستان خود را یاد می‌کنند از خدای متعال به استغاثه می‌خواهند که به آنان توفیق دهد تا از بیماران خود عیادت کنند، آنجا که می‌گویند: «اللهم صلّ علی محمّد واله وتولّنی فی جیرانی وموالی العارفین بحقنا والمنابدین لأعدائنا بأفضل ولایتک ووقفهم لإقامة سنّتک والأخذ بمحاسن أدبک فی ارفاق ضعیفهم وسدّ خلّتهم وعیادة مریضهم...» (انصاریان، ۱۳۷۶: ۱۶۳): «خداوندا به روان مقدس محمد و آل محمد رحمت فرست و مرا در ادای حقوق همسایگان و دوستانم که شناسای حق مایند و با دشمنان ما در ستیز هستند به برترین وجه یاری ده و توفیقشان عطا کن تا سنّت‌های مقدس تو را بر پای دارند و به آداب پسندیده تربیت شوند و به آنان توفیق ده تا دست حمایت به سوی مستمندان پیش آورند و قوّت خویش را در راه کمک به ضعفا به کار برند، به دوستی تیره‌بختان برخیزند و از بیماران‌شان عیادت کنند». بررسی دستورهای اجتماعی اسلام، ما را به این مهم رهنمون می‌کند که اتحاد و اخوت بین اجتماع مسلمانان اصل اساسی در اوامر اسلام را تشکیل می‌دهد. دستور به عیادت بیماران و دعا بر بالین بیمار و به ویژه دستور به عیادت بیماران همسایه و یا فقرا و ... برای افزایش پیوند و محبت بین اهل اسلام است (فجری، ۱۳۸۹: ۷۵-۸۴). از این رو این دین آسمانی، یکی از آداب

عیادت را ملاقات با بیمارانی می‌داند که در زمان بیماری عیادت کننده به دیدن او نیامده‌اند تا ضمن جلوگیری از قطع ارتباط، این عیادت باعث تحکیم پیوندها شود. به همین دلیل رسول خدا(ص) دستور می‌دهند: «عد من لا یعودک»: «عیادت کن از کسی که به عیادت تو نیامده است» (دیلمی، ۱۴۰۸ق: ۴۴۵).

ب) حمایت‌های مادی

حمایت‌های مادی متوجه گروه‌هایی است که از نظر اقتصادی و مالی در شرایط سختی قرار دارند و باید از نظر مادی مورد حمایت قرار گیرند تا از آسیب‌های روحی-روانی و نیز انحرافات رفتاری در امان بمانند. بر اساس جهان بینی اسلامی مالکیت حقیقی آسمان‌ها و زمین و آنچه در آن‌هاست از آن خداوند است: ﴿الْمَٰلِکُ الْمَلِکُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾: «آیا نمی‌دانی که مالکیت آسمان‌ها و زمین از آن خداوند است» (بقره/۱۰۷، آل عمران/۱۸۹ و مائده/۱۷).

انسان‌ها و آنچه به صورت تکوینی و تشریحی در اختیار آن‌هاست از این اصل کلی خارج نیستند و همه به او تعلق دارند؛ بنابراین مالکیت انسان‌ها نسبت به آنچه به دست می‌آورند مالکیتی است اعتباری و محدود و مقید به آنچه که مالک حقیقی اموال (خداوند) تعیین نموده است؛ به عبارت دیگر مال از دیدگاه اسلام اصالتاً از آن خداوند است و خداوند آن را بر اساس مصالح بندگان و به منظور امتحان آن‌ها در میانشان تقسیم نموده نزد آن‌ها به امانت گذاشته است؛ بنابراین باید به عنوان یک امانتدار و در حدود امانت در آن تصرف نمایند و هرگونه تصرفی خارج از این حدود، ممنوع و قابل مؤاخذه می‌باشد» (خسرو شاهی، بی تا: ۲۶۸).

قرآن و روایات بر این اصل دلالت می‌کنند. از دیدگاه قرآن، انسان‌ها نماینده و جانشین خداوند در اموال و دارایی‌های خویش هستند: «و انفقوا مما جعلکم مستخلفین فیہ (حدید/۷): «انفاق کنید از آنچه خداوند شما را نماینده خود در آن قرار داده است». و ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا انْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ﴾ (بقره/۳ و ۲۵۴ و منافقون/۱۰): «ای مؤمنین از آنچه به شما روزی دادیم انفاق کنید». /امام صادق(ع) فرموده‌اند: «المال مال الله جعله ودائع عند خلقه وأمرهم أن ياكلوا منه قصدا ويشربوا منه قصدا ويلبسوا منه قصدا وينكحوا منه قصدا

ویرکبوا منه قصدا ویعودوا بما سوی ذلک علی فقراء المؤمنین...» (نوری، ج ۱۳: ۵۲): «مال از آن خداست که آن را به امانت به بندگان خود سپرده و به ایشان فرمان داده است تا با میانه روی از آن بخورند و با میانه روی از آن بیاشامند و با میانه روی از آن بیوشند و با میانه روی از آن برای ازدواج هزینه کنند و با میانه روی از آن وسیله سواری بخرند و آنچه را باقی می ماند به مؤمنان فقیر و نیازمند بدهند».

بر اساس این اصل، ثروتمندان امانتدار اموالی هستند که خداوند در اختیار آن‌ها قرار داده است و باید مطابق آنچه به آن‌ها دستور داده شده است در آن تصرف نمایند. بر اساس آموزه‌های دینی، انسان‌ها مجازند برای نیازهای خود به دور از اسراف و تبذیر و در حد متعارف هزینه کنند و مازاد بر آن را برای رفع فقر و محرومیت نیازمندان به کار گیرند. به این ترتیب خداوند هم اغنیاء را مورد امتحان قرار می دهد و هم زمینه تأمین معیشت فقیران جامعه را فراهم خواهد نمود (خسرو شاهی: ۲۶۸). اسلام سیاست‌های حمایتی خود را بر اساس چنین بینشی استوار ساخته است و آن‌ها را در غالب دستور العمل‌هایی ارائه نموده است که به آن‌ها اشاره می کنیم.

(۱) پرداخت‌های واجب

بخشی از مسئولیت‌های ثروتمندان در برابر فقیران جامعه به صورت احکامی الزام‌آور تشریح گردیده است که عبارت‌اند از خمس و زکات.

أ. خمس

اسلام که مکتبی جامع است، برای فقرزدایی و حل مشکلات محرومان جامعه، طرح‌هایی را ارائه داده که یکی از آن‌ها، مسأله خمس است. رسیدگی به فقرا، به قدری مهم است که حضرت علی (ع) در حال نماز انگشتر خود را به فقیری که در مسجد از مردم تقاضای کمک می کرد و کسی به او پاسخ مثبتی نداد، عطا کرد و اشاره نکرد که صبر کند و بعد از نماز به او کمک کند، بلکه در حال رکوع انگشتر خود را به او بخشید و آیه ۵۵ سوره مائده نازل شد: ﴿إِذَا وَلَّيْكُمْ اللَّهُ رَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾ (مائده/۵۵): «همانا ولیّ شما خدا و رسول او و مؤمنانی هستند که نماز می خوانند و همچنان که در رکوع هستند انفاق می کنند».

خمس یکی از مالیات‌های اسلامی است که بر مسلمانان واجب است آن را به حاکم اسلامی یعنی امام(ع) یا نمایندگان ایشان پرداخت کنند. به این ترتیب که مسلمانان باید یک پنجم سود فعالیت‌های اقتصادی و یا هر منفعتی را که به دست می‌آورند، در صورتی که از مخارج سالانه آن‌ها بیش‌تر باشد، به صورت خمس به امام(ع) و یا نمایندگان آن‌ها پرداخت کنند. افزون بر منافع کسب و کار، خمس به مواد استخراج شده از معادن، گنج‌ها، اموال حلال مخلوط به حرام، جواهرات بدست آمده به وسیله غواصی از دریا، غنایم جنگی و زمینی که کافر ذمی از مسلمان می‌خرد، نیز تعلق می‌گیرد(وزیری یزدی، ۱۳۷۰: ۵۳).

حکم خمس و موارد مصرف آن در آیه ۴۱ از سوره انفال آمده است: ﴿واعلموا انکم غنتم من شیء فان لله خمسہ وللرسول ولذی القربی والیتامی والمساکین وابن السبیل ان کنتم امنتم بالله وما انزلنا علی عبدنا یوم الفرقان یوم التقی الجمعان والله علی کل شیء قدیر﴾: «و بدانید هر چه را به عنوان غنیمت به دست می‌آورید، بی‌تردید یک پنجم آن برای خدا و رسول و خویشان و یتیمان و درماندگان و در راه ماندگان است، اگر شما به خدا و آنچه بر بنده خود در روز جدایی حق از باطل، روز درگیری دو گروه(با ایمان و بی‌ایمان یعنی روز جنگ بدر) نازل کردیم، ایمان آورده‌اید و خداوند بر هر چیزی قادر است». «طبق روایات و به عقیده شیعه، غنیمت در این آیه شامل هرگونه درآمدی اعم از کسب و کار و تجارت می‌شود و نزول آیه در جنگ بدر دلیل این نیست که خمس تنها در غنایم جنگی در آیه باشد. باید گفت یک مورد از خمس در این آیه آمده و موارد دیگر در روایات مطرح شده است»(قرائتی، ۱۳۸۳: ۳۲۶).

نه تنها در آیه ۴۱ سوره انفال، پرداخت خمس شرط و لازمه ایمان شمرده شده است، بلکه سومین آیه این سوره نیز نشانه مؤمنان واقعی را کمک به محرومان می‌داند و می‌فرماید: ﴿انما المؤمنون الذین اذا ذکر الله وجلت قلوبهم و... ومما رزقناهم ینفقون﴾ اولئک هم المؤمنون حقاً﴾(انفال/۲-۴): «مؤمنان کسانی هستند که چون نام خدا برده شود، خوف بر دل‌هایشان چیره گردد و ... و از آنچه روزی‌شان داده‌ایم انفاق می‌کنند اینان مؤمنان حقیقی هستند». در روایات نیز خمس و اهمیت آن مورد توجه قرار گرفته است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

امام باقر(ع) فرمودند: «ما أيسر ما يدخل به العبد النار قال من اكل من مالى يتيم درهما ونحن اليتيم» (ابن بابويه قمی، ۱۳۵۹ق: ۵۲۲): «آسان‌ترین وسیله‌ای که انسان را به دوزخ می‌برد، خوردن مال یتیم است، سپس حضرت فرمودند: ما یتیم هستیم» (یعنی نپرداختن خمس به منزله خوردن مال یتیم است).

همچنین نپرداختن خمس در کنار شرک و قتل نفس، از بزرگ‌ترین گناهان کبیره شمرده شده است.

امام صادق(ع) فرمودند: «اکبر الكبائر سبع: الشّرك بالله العظيم وقتل النفس الّتی حرّم الله عزّ وجلّ وأكل أموال الیتامی و... وأما أكل أموال الیتامی فقال ظلمنا فیئنا» (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۴: ۱۵۰): «گناهان کبیره هفت گناه می‌باشند: شرک و قتل و خوردن مال یتیمان و ... سپس فرمودند: اما خوردن مال یتیمان همان حق ماست که از ما ربوده و خوردند». *امام کاظم(ع)* پرداختن خمس را نشانه افراد باایمان دانسته و فرموده‌اند: «لقد یسر الله علی المؤمنین أرزاقهم بخمسة دراهم جعلوا لربّهم واحدا وأكلوا أربعة حلالاً ثمّ قال هذا من حدیثنا صعب مستصعب لا یعمل به ولا یصبر علیها الاّ ممّتحن قلبه لایمان» (صفار، ۱۴۰۴ق: ۲۹): «خمس مالتان را بدهید تا رزق شما حلال شود، سپس فرمودند: این کلام سختی است که جز افراد با ایمان امتحان شده، تحمل آن را ندارند».

یاران واقعی اهل بیت(ع) آنگونه ایمان داشتند که نپرداختن خمس را مساوی با خوردن حرام و قبول نشدن نماز و روزه می‌دانستند و در سؤال خود از آن بزرگواران می‌پرسیدند که خمس را چگونه بپردازیم تا جزء حرام‌خواران و کسانی که نماز و روزه‌شان قبول نیست نباشیم (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۹: ۵۰۳). در حدیثی می‌خوانیم: «الدّنيا وما فیها لله ورسوله ولنا فمن غلب علی شیء منها فلیتق الله ولیوّد حقّ الله ولیتبرّ اخوانه فان لم یفعل ذلک فالله ورسوله ونحن براء منه» (کلینی، ج ۱: ۴۰۸): «هر کس بر مال دنیا دست یافت، باید تقوا پیشه کند و حق خدا را بپردازد و به برادران ایمانی خود احسان کند و اگر این‌چنین نکرد، خدا و رسول و ما اهل بیت از او بیزاریم». *امام رضا(ع)* فرمودند: «انّ الخمس عوننا ... فلا تزووه عنا ولا تحرموا انفسکم دعاءنا ما قدرتم علیه» (مفید، ۱۴۱۳ق: ۲۸۴): «خمس کمک به ماست، آن را از ما دور نکنید تا از دعای ما محروم نشوید».

امام زمان(ع) فرموده‌اند: «فلا یحلّ لأحد أن یتصرّف فی مال غیره بغیر إذنه فکیف یحلّ ذلک فی مالنا من فعل شیئاً من ذلک لغیر امرنا فقد استحلّ منّا ما حرّم علیه ومن اکل من مالنا شیئاً فإنما یأکل فی بطنه نارا وسیصلی سعیرا» (مجلسی، ج ۱۰۰: ۱۸۲): «با اینکه هیچ کس حق ندارد در مال غیر تصرف کند، پس چگونه مردم در مال ما تصرف می‌کنند؟ هر کس بدون دستور ما در مال ما تصرف کند، مرتکب گناه شده و هر کس ذره‌ای از مال ما را بخورد پس گویا آتش در شکم اوست».

با توجه به موارد وجوب و موارد مصرف خمس می‌توان دریافت که حکم خمس در حیطه فردی و اجتماعی دارای آثاری است. در حیطه فردی هم برای فردی که بر او خمس واجب است و هم برای فردی که مستحق دریافت خمس است. خمس دهنده با هدف و قصد قربت برای اینکه به درجه تقوا برسد، انفاق واجب را انجام می‌دهد و در این راستا در امور مالی خود هدایت به رعایت عدل، انصاف، میزان می‌گردد تا شامل حکم قرآنی «ویل للمطفّین» نگردد و این امر خود بهترین عامل پیش‌گیرنده در گرایش به انحراف و بزهکاری است و حتی پرداخت خمس وقتی که مال حلالی با مال حرامی مخلوط گشته، مؤید این معناست که با خمس حرام بودن مال به حلیت تبدیل شود؛ و اما در فردی که مستحق دریافت خمس است، در واقع توجه به افراد محروم جامعه را نشان می‌دهد که خود فردی که استحقاق دریافت دارد، با علم به اینکه افراد دیگر جامعه معیشت او را از طریق دادن خمس تأمین خواهند کرد از انحراف و تصور به گرایش به راه‌های دیگر برای تأمین مایحتاج خودداری خواهد کرد. گرچه دریافت خمس ممکن است تمام نیازهای فرد را تأمین نکند اما به هر حال اثر خمس در این خصوص قابل ذکر است. محرومیت زدایی از جامعه از طریق حاکم اسلامی وقتی که بخشی از خمس را در مصالح مسلمین خرج می‌کند، از اثر مهم خمس در اجتماع است (رشادتی، ۱۳۸۷: ۲۰۹).

بنابراین بر پرداخت خمس آثار با ارزش متعددی، مترتب است که مهم‌ترین آن‌ها تعدیل ثروت، مبارزه با تکاثر و رسیدگی به محرومان و تهیدستان جامعه است. در واقع پرداخت خمس، روحیه بی‌تفاوتی را از انسان برطرف می‌کند و باعث می‌شود که نسبت به محرومان جامعه، احساس مسئولیت وجود داشته باشد و همین احساس مسئولیت و در نتیجه حمایت از آن‌ها جامعه را از بخشی از مفاسد پاک خواهد کرد.

ب. زکات

زکات در اصطلاح فقهی به معنای پرداخت مقدار معینی از مال به محرومان و نیازمندان جامعه است. واژه زکات سی و دو مرتبه در قرآن کریم آمده است که بر اساس آن:

﴿من آمن بالله واليوم الآخر وأقام الصلوة و آتی الزکوة﴾ (توبه/۱۸) پرداخت زکات، نشانه ایمان به خدا و روز قیامت است.

﴿فان تابوا و أقاموا الصلوة و اتوا الزکوة فآخوانکم فی الدین﴾ (توبه/۱۱) راه پذیرش توبه و آمرزش گناهان، اقامه نماز و ادای زکات است.

﴿الذین إن مکناهم فی الارض أقاموا الصلوة و آتوا الزکوة﴾ (حج/۴۱) برپایی نماز و زکات، نشانه حکومت صالحان است.

﴿رجال لا تلهیهم تجارة و لا بیع عن ذکر الله و أقاموا الصلوة و آتوا الزکوة﴾ (نور/۳۷) نشانه مردان الهی، تجارت و داد و ستد، همراه با انجام نماز و ادای زکات است.

﴿الذین لا یؤتون الزکوة و هم بالآخرة هم کافرون﴾ (فصلت/۷) انکار زکات، برابر کفر است.

زکات رمز همبستگی اجتماعی است. معمولاً دستور به نماز همراه با دستور به زکات آمده است؛ یعنی یاد خدا باید همراه با توجه به خلق خدا باشد. در واقع نماز برای تکمیل نفس و تحصیل قرب و ارتباط با پروردگار متعال و زکات برای رسیدگی به دیگران و کمک به بندگان خدا و رفع ابتلائات فقرا و مستضعفین و تهیه وسایل زندگی آنان است. حضرت علی(ع) یکی از علامت مؤمنان را زکات دانسته‌اند: «للعابد ثلاث علامات: الصلوة والصوم والزکاة» (ابن تیمی مغربی، ۱۳۸۵ق: ۲۴۰): «علامت و نشانه مؤمنان و شیعیان ما سه چیز است: نماز، روزه و زکات».

همچنین در روایات می‌خوانیم: «... فقد استکمل حقیقة الايمان وأبواب الجنة مفتحة له من أسبغ وضوءه وأحسن صلاته وأدّى زکاة ماله و...» (ابن بابویه قمی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۳۶۴) با این مفهوم که زکات، نشانه بی نقص بودن و کمال اسلام و ایمان است.

و نیز در روایات متعددی، زکات به عنوان یکی از پایه‌های دین اسلام شمرده شده است: «بنی الاسلام علی خمس: علی الصلوة والزکاة والصوم والحجّ والولاية» (طوسی، ۱۴۱۴: ۱۲۴): «بنای اسلام بر پنج پایه استوار است: نماز، حج، زکات، روزه و ولایت».

رسول خدا(ص) فرمودند که: «یا علی کفر باللّٰه العظیم من هذه الأمة عشرة القتال والساحر و... ومانع الزکاة و...»(مجلسی، ج ۹۳: ۱۳): «یا علی، ده گروه از امت من کافر می‌شوند که یکی از گروه‌ها، کسانی هستند که زکات نمی‌پردازند».

زکات در نه چیز(گندم، جو، خرما، طلا، نقره، گوسفند، گاو و شتر) واجب است که باید در یکی از موارد هشت‌گانه زیر مصرف کرد:

۱ و ۲) فقرا و مساکین؛ آن‌ها کسانی هستند که مخارج سال خود و عیالات‌شان را ندارند. تفاوت فقیر و مسکین در این است که فقیر روی سؤال از کسی ندارد، اما مسکین نیازمندی است که روی سؤال دارد.

۳) کسانی که از طرف امام یا نایب او مأمور جمع آوری زکات یا نگهداری یا رسیدگی به حساب آن هستند میتوانند به اندازه زحمتی که می‌کشند، از زکات استفاده کنند.

۴) افراد ضعیف‌الایمانی که با گرفتن زکات تقویت می‌شوند و تمایل به اسلام پیدا می‌کنند.

۵) خریدن برده‌ها و آزادکردن آن‌ها.

۶) اشخاص بدهکاری که نمی‌توانند قرض خود را ادا کنند.

۷) انجام کارهای عام‌المنفعه که رنگ الهی داشته باشد یعنی خداپسندانه و به مصلحت عموم مردم باشد مانند ساخت مدارس، مساجد، مسکن برای محرومان و ...

۸) ابن سبیل یعنی مسافری که در سفر مانده و محتاج شده، می‌تواند به مقدار نیازش از زکات استفاده کند(موسوی خمینی، بی تا: ۱۱).

پرداخت زکات، دل‌ها را به هم نزدیک می‌کند و جامعه را برای حل همه مشکلات آماده می‌سازد. اگر فقرا خود را در سود اغنیاء شریک بدانند، در برابر نابسامانی‌ها و مشکلات و آفات با تمام توان به پا خواهند خاست و تا آنجا که بتوانند در حل مشکلات کوشش خواهند نمود. آنچه سبب دوستی یا تعمیق و توسعه آن می‌شود، خوش‌نیتی، خوش رفتاری، انصاف، کرم، ایثار، سخاوت، احسان، محبت، زهد، صله رحم، هدیه و تفقد از یکدیگر می‌باشد که در پرداخت زکات همه این آثار به روشنی نهفته است. بنابراین اگر افراد، زکات مال خود را صحیح و به موقع پرداخت کنند، بسیاری از افراد جامعه که به

دلیل وجود مشکلات اقتصادی زمینه ارتکاب جرم، برای آنان به وجود آمده، تأمین و هدایت می‌شوند.

۲) پرداخت‌های مستحب

با توجه به اینکه ممکن است پرداخت‌های واجب به درستی و به صورت کامل انجام نگیرد و کسانی از پرداخت آن خودداری کنند و در نتیجه فقیران بسیاری در جامعه باقی بمانند، اسلام تأکید فراوانی بر پرداخت‌های مستحب نموده است.

أ. قرض الحسنه

واژه «قرض» در ریشه لغوی به معنی بریدن است. از این رو عرب به قیچی که برنده است مقرض می‌گوید. استعمال این واژه در وام بدون بهره، از این رو که انسان وقتی می‌تواند به چنین کار نیکی توفیق یابد که دلبستگی به مال و ثروت را از خود ببرد و قطع کند و گرنه به چنین توفیقی نخواهد رسید و معنی دیگر بریدن این است که قرض‌دهنده قسمتی از اموالش را جدا کرده و به قرض گیرنده می‌دهد (محمدی اشتهاردی، بی تا: ۱۷).

با نگاه به آیات و روایات در خصوص قرض دادن، به اهمیت این مسأله در اسلام می‌توان پی برد. در قرآن در هر جا که کلمه «قرض» آمده به دنبال آن کلمه «حسننا» آمده است. از این رو در اسلام به وام بی بهره قرض الحسنه می‌گویند. این ترکیب بیانگر آن است که قرض دادن باید به صورت نیکو انجام شود. این نیکویی را می‌توان از چند جهت تصور کرد: (۱) آبرومندانه باشد، (۲) بی منت باشد، (۳) بدون چشم‌داشت به سود و بهره باشد، (۴) برای خشنودی خداوند باشد، (۵) از روی میل و علاقه باشد (همان).

در آیه ۱۲ سوره مائده می‌خوانیم که خداوند به بنی اسرائیل فرمود: ﴿قَالَ اللَّهُ اِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ اَقَمْتُمْ الصَّلٰوةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكٰوةَ وَامْتَمَرْتُمْ بِرِسَالِي وَعَزَّرْتُمُوهُمْ وَاقْرَضْتُمُ اللّٰهَ قَرْضًا حَسَنًا لَّا اُكْفِرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَلَا دَخَلَتْكُمْ جَنّٰتُ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهَارُ﴾: «اگر نماز بخوانید و زکات بدهید و به پیامبران من ایمان بیاورید و یاریشان کنید و به خدا قرض الحسنه بدهید، من با شمایم، بدی‌هایتان را می‌زدایم و شما را به بهشت‌هایی داخل می‌کنم که در آن نهرها روان باشد».

در آیه چند نکته مهم وجود دارد. نخست اینکه این دستور به قدری مهم است که پس از نماز و زکات و ایمان و یاری رسولان خدا ذکر شده است و نکته دوم اینکه قرض الحسنه، قرض دادن به خداست یعنی مورد پذیرش حق است و خداوند دستش را به جای دست مستمند قرار می‌دهد (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۳: ۴۵).

آیه ۱۷ سوره تغابن نیز به ارزش قرض دادن اشاره نموده و آن را موجب افزایش نعمت و آمرزش گناهان برشمرده است: ﴿إِنْ تَقْرَضُوا لِلَّهِ قَرْضًا حَسَنًا لَكُمْ بِهِ تُغْفَرُ لَكُمْ وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ﴾: «اگر به خدا قرض الحسنه بدهید، برایتان دو برابرش خواهد کرد و شما را می‌آمرزد که او تشکرکننده و بردبار است».

پیامبران و امامان (ع) در گفتار و رفتارشان به قرض الحسنه اهمیت فراوان می‌دادند و خود در این راه پیشقدم می‌شدند و پیروانشان را با تأکیدهای فراوان به این امر مقدس دستور می‌دادند.

پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «من أقرض مؤمناً قرضاً ينتظر به ميسورة، كان ماله في زكاة وكان هو في صلاة الملائكة حتى يؤديه إليه» (ابن بابویه قمی، ۱۳۶۴: ۱۳۸): «کسی که به مؤمنی تا مدتی که او توان ادای آن را داشته باشد، قرض بدهد، مال او به عنوان زکات است (ثواب زکات را دارد) و قرض دهنده تا هنگام ادای قرض، مورد درود فرشتگان است».

همچنین در روایت دیگری حرام شدن بهشت را جزای کسی دانسته که به برادر دینی خود قرض ندهد:

«من شكاه إليه اخوه المسلم فلم يقرضه حرم الله عز وجلّ عليه الجنة» (حرّ عاملی، ج ۱۶: ۳۹۰): «کسی که برادر مؤمنش بر اثر ناداری به او شکایت نماید و او به آن برادر دینی قرض ندهد خداوند بهشت را بر او حرام می‌گرداند».

امام صادق (ع) در خصوص پاداش قرض دادن می‌فرمایند: «ما من مسلم اقرض مسلماً قرضاً حسناً يريد به وجه الله آلاً حسب الله له اجرها كحساب الصدقة حتى يرجع إليه» (ابن بابویه قمی، ۱۳۶۴: ۱۳۸): «هر مسلمانی که برای رضای خداوند به مسلمانی قرض الحسنه بدهد، حتماً خداوند پاداش آن را مانند پاداش صدقه دادن حساب می‌کند تا هنگامی که آن قرض به او بازگردد».

در روایات، از قرض دادن به عنوان یکی از حقوق مؤمنان نسبت به همدیگر یاد شده است. از جمله /امام باقر(ع) در ضمن شمارش حقوق مؤمن نسبت به مؤمن فرمودند: «من حقّ المومن علی آخیه المؤمن ... ویفرّج عنه کربته ویقضی دینه ...» (طبرسی، ۱۳۸۵ق: ۱۹۱): «از حقوق مؤمن بر مؤمن این است که اندوه او را برطرف سازد و قرضش را ادا کند».

تقویت روح محبت و تعاون در جامعه و احیای روح برادری و عطوفت یکی از آثار مهم این کار نیک است. در واقع قرض الحسنه علاوه بر اثر فردی خودسازی و تربیت روح، دارای آثار اجتماعی نیز می‌باشد که ایجاد روحیه تعاون یکی از مهم‌ترین این آثار می‌باشد.

ب. انفاق

یکی از وظایف مهم افراد در جامعه اسلامی، دستگیری از نیازمندان و تهی‌دستان است. هر کس به اندازه امکانات و توانمندی‌های خویش وظیفه دارد که خلأهای موجود در زندگی افراد را جبران نماید. انفاق به معنای خرج کردن مال در راه خداوند، در اسلام از جایگاه والایی برخوردار است. از تدبر در آیات قرآن کریم و روایات، چنین معلوم می‌شود که انفاق یکی از مهم‌ترین اصول تربیتی در دین اسلام است. اصلی که همه جوانب زندگی را در بر می‌گیرد. ولی اهمیت آن بیش‌تر در تأثیر اقتصادی تکامل‌آفرین و حیات‌بخش آن تبلور می‌یابد؛ زیرا اساس فقر و نیازمندی را از بین طبقات پایین جامعه ریشه‌کن می‌سازد و از انباشت دارایی و امکانات جامعه در دست عده خاصی، جلوگیری به عمل خواهد آورد. از آنجا که هدف اساسی مکتب الهی اسلام، برقراری قسط و عدل در جامعه است، انفاق یکی از مهم‌ترین اصول اسلامی است که به تحقق قسط و عدل کمک می‌کند و به این دلیل، از شمار بزرگ‌ترین تکالیف اسلامی محسوب می‌گردد. قرآن کریم در آیات بسیاری بر موضوع انفاق در راه خدا تأکید می‌ورزد و در این خصوص سفارشات بسیاری شده است. خداوند می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ يَتَّقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ تِلْكَ الْأَمْوَالُ لَمْ يَلْبَسُوا بِهَا عِلْفًا وَمَا يَتَّقُونَ﴾ (بقره/۲۶۲): «پاداش کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند و پس از انفاق منتهی نمی‌نهند و آزاری نمی‌رسانند، با پروردگارشان است و آنان نه بیمناک می‌شوند و نه اندوهگین».

همچنین آیه ۲۷۴ سوره بقره، به ستایش کسانی پرداخته است که در شب و روز و نهان و آشکار انفاق می‌کنند: ﴿الَّذِينَ ينفقون اموالهم باللیل والنهار سرا وعلانية فلهم اجرهم عند ربهم ولا خوف علیهم ولا هم یحزنون﴾: «آنان که اموال خویش را در شب و روز، در پنهان و آشکار انفاق می‌کنند، اجرشان با پروردگارشان است که نه بیمناک و نه غمگین می‌شوند».

در اوایل سوره بقره، در توصیف تقوای پیشگان آمده است که: ﴿ذلک الکتاب لا ریب فیہ هدی للمتقین الذین یؤمنون بالغیب و یقیمون الصلوة و ممّا رزقناهم ینفقون﴾ (بقره/۲ و ۳): «این است همان کتابی که در آن هیچ شکی نیست، پرهیزگاران را راهنماست، کسانی که به غیب ایمان می‌آورند و نماز را به پا می‌دارند و از آنچه روزیشان کرده‌ایم، انفاق می‌کنند». همچنین قرآن، انفاق کننده را به زارعی تشبیه کرده است که یک بذر می‌کارد و هفتصد برابر برداشت می‌کند: «مثل الذین ینفقون اموالهم فی سبیل الله کمثل حبة انبتت سبع سنابل مائة حبة والله یضاعف لمن یشاء والله واسع علیم» (بقره/۲۶۰): «مثل آنان که مال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند، مثل دانه‌ای است که هفت خوشه برآورد و در هر خوشه‌ای صد دانه باشد، خدا پاداش هر که را بخواهد چند برابر می‌کند خدا گشایش دهنده و داناست». پیامبر بزرگ اسلام (ص) و ائمه معصومین (ع) به ترغیب و تشویق مسلمانان به انفاق پرداخته‌اند و مجموعه بزرگی از روایات در این زمینه نقل شده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «الایدی ثلاثة: فید الله العلیا وید المعطى آلتی تلیها وید السائل السفلی فاعط الفضل ولا تعجز نفسك» (مجلسی، ج ۹۳: ۱۱۹): «دست‌ها سه نوع است: دست خدا که بالاترین دست‌هاست، دست دهنده که بعد از دست خداست و دست طلب کننده که پایین‌ترین دست‌هاست، پس زیادی مالت را بده و خویش را عاجز نگردان».

در زمینه پاداش انفاق از امام صادق (ع) روایت شده است که: «لو ان احدکم اکتسب المال من حلّه وانفقه فی حقّه کم ینفق درهما الا اخلف الله علیه» (حلی، ۱۴۰۷ق: ۲۱) «اگر فردی از شما مال حلال به دست آورد و به حق انفاق کند، درهمی انفاق نکند مگر اینکه خداوند عوض آن را بدهد».

و در جای دیگر می‌فرمایند: «لا یکمل ایمان العبد حتّی یکون فیہ أربع خصال: یحسن خلقه، تسخو نفسه ویمسک الفضل من قوله ویخرج الفضل من ماله» (برقی، ۱۳۷۱ق: ۸): «ایمان بنده کامل نمی‌شود مگر اینکه چهار خصلت در او باشد: اخلاقی را نیکو گرداند، نفسش سخاوتمند شود، از پر حرفی بپرهیزد و زیادی مالش را انفاق نماید». یکی از مهم‌ترین عوامل همگرایی اجتماعی، برآوردن نیازها و پاسخ به خواسته‌های مادی و معنوی یکدیگر است. از این رو در جامعه پذیری بر آن تأکید می‌شود و به افراد آموزش داده می‌شود که چگونه نیازهای مادی و معنوی یکدیگر را برآورده سازند و همدل و همیار یکدیگر باشند.

انفاق هم که ناظر به پاسخگویی به نیازهای دیگران است، به عنوان یکی از عوامل افزایش همگرایی اجتماعی در آیات و روایات، بسیار مورد توجه بوده است و به دلیل آثار فردی و اجتماعی سازنده مترتب بر آن که مهم‌ترین آنان، احساس مسئولیت افراد جامعه نسبت به یکدیگر می‌باشد، مورد ترغیب و تشویق قرار گرفته است.

نتیجه بحث

هیرشی به عنوان یکی از مهم‌ترین نظریه‌پردازان در حوزه کنترل اجتماعی، پیدایش کجروی را معلول ضعف همبستگی در گروه‌ها و نهادهای اجتماعی و تضعیف اعتقادات و باورهای موجود در جامعه می‌داند. مطابق نظر هیرشی، جامعه یا گروهی که در میان اعضای آن وابستگی‌های متقابل و قوی وجود داشته باشد بیش از جامعه یا گروهی که اعضای آن بستگی محکمی با هم نداشته باشند، قادر به اعمال کنترل بر اعضای خود خواهد بود. در واقع در یک جامعه اسلامی نیز تعاون و حمایت با تقویت پیوند افراد با یکدیگر و با جامعه نقش بسیار مهمی در کنترل رفتارهای فرد خواهند داشت. با توجه به تأکید آیات قرآن و روایات معصومین (ع) در خصوص یاری کردن و حمایت افراد از یکدیگر در یک جامعه به نقش مهم این موضوع در پیوند افراد جامعه و در نتیجه پیشگیری از بروز بسیاری از انحرافات و کجروی‌ها پی می‌بریم. بنابراین برای کاهش جرایم، تلاش در جهت افزایش روحیه تعاون و حمایت در میان افراد جامعه ضروری می‌باشد.

کتابنامه

قرآن کریم

صحیفه سجادیه. ترجمه حسین انصاریان.

کتب فارسی

احمدی، حبیب. ۱۳۸۴ش، **جامعه شناسی انحرافات**، چاپ اول، تهران: سمت.
جوان، عبدالله. ۱۳۸۳ش، **نظم اجتماعی در اسلام**، چاپ اول، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.

رشادتی، جعفر. ۱۳۸۷ش، **پیشگیری از جرم در قرآن کریم**، تهران: دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا.

ستوده، هدایت الله. ۱۳۸۴ش، **آسیب شناسی اجتماعی (جامعه شناسی انحرافات)**، چاپ سیزدهم، تهران: آوای نور.

قزائتی، محسن. ۱۳۸۳ش، **تفسیر نور**، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
کلینی، محمد بن یعقوب. ۱۳۸۶ش، **اصول کافی**، ترجمه و شرح سید مهدی آیت اللهی، چاپ اول، تهران: جهان آرا.

محمدی اشتهاردی، محمد و محمد تقی عبدوس. **بیست و پنج اصل از اصول اخلاقی امامان (ع)**، چاپ اول، قم: دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم.

ممتاز، فریده. ۱۳۸۱ش، **انحرافات اجتماعی**، چاپ اول، تهران: شرکت سهامی انتشار.
موسوی خمینی، روح الله. **تحریر الوسيله**، ترجمه علی اسلامی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

کتب عربی

ابن بابویه قمی، محمد بن علی بن حسین (شیخ صدوق). ۱۳۵۹ق، **کمال الدین**، قم: دار الکتب الاسلامیه.

ابن بابویه قمی، محمد بن علی بن حسین (شیخ صدوق). ۱۳۶۴ش، **ثواب الأعمال**، قم: شریف رضی.

ابن بابویه قمی، محمد بن علی بن حسین (شیخ صدوق). ۱۴۰۳ق، **الخصال**، قم: جامعه مدرسین قم.

ابن تمیمی مغربی، نعمان بن محمد. ۱۳۸۵ق، **دعائم الاسلام**، دار المعارف مصر.

برقی، احمد بن محمد بن خالد. ۱۳۷۱ق، **المحاسن**، قم: دار الکتب الاسلامیه.

حر عاملی، محمد بن حسن. ۱۴۰۹ق، **وسایل الشیعه**، قم: مؤسسه آل البيت (ع).

حلی، ابن فهد. ۱۴۰۷ق، **عدة الداعی**، قم: دار الکتب الاسلامی.

دیلمی، حسن بن ابی الحسن. ۱۴۰۸ق، **اعلام الدین**، قم: مؤسسه آل البيت (ع).

- صفار، محمد بن حسن بن فروخ. ۱۴۰۴ق، **بصائر الدرجات**، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی.
طبرسی، ابوالفضل علی بن حسن. ۱۳۸۵ق، **مشکاة الانوار**، نجف: کتابخانه حیدریه.
طبرسی، حسن بن فضل. ۱۴۱۲ق، **مکارم الاخلاق**، قم: شریف رضی.
طبرسی، فضل بن حسن. ۱۳۷۲ش، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، تهران: ناصر خسرو.
طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن. ۱۳۶۵ش، **تهذیب الاحکام**، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
مجلسی، محمدباقر. ۱۴۰۴ق، **بحار الأنوار**، قم: مؤسسه الوفاء.

کتاب انگلیسی

- Hirschi, Travis, (2002), **Causes of Delinquency**, Transaction Publishers.
Regoli, Robert M & Hewitt, John D & Delisi, Matt, (2009), **Delinquency in Society**, Jones and Bartlett Publishers.
Vito, Gennaro F & Maahs, Jeffrey R & Holmes, Ronald M, (2006), **Criminology: Theory, Research and Policy**, Jones and Bartlett Publishers.

مقالات و پایان نامه ها

- خسروشاهی، قدرت الله. «پیشگیری ثانویه از جرم و انحراف در آموزه های قرآن»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ۹، شماره ۱۸.
رضایی، محمد مهدی. ۱۳۸۴ش، «جایگاه صله رحم در فرهنگ اسلامی»، مجله گنجینه، شماره ۵۱.
فجری، محمد مهدی. ۱۳۸۹ش، «آداب عیادت بیمار و آثار آن»، مجله مبلغان، شماره ۱۲۷.
وزیری یزدی، سید حمید. ۱۳۷۰ش، «خمس: بررسی فقهی - تاریخی»، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه امام صادق (ع).

Bibliography

A) Persian References

- Ahmadi, Habib, 2005, *Sociology of deviations*, First Edition, Tehran, Samt.
Ansarian, Hossein (translator), 1998, *Sahifeh Sajjadih*, Fourth Edition, Tehran, Freedom message
Javan, Abdullah, 2004, *Social order in Islam*, First Edition, Qom, Islamic Broadcasting Research Center
Khosroshahi, Ghodrattullah, Article "Secondary prevention of crime and deviation in the teachings of the Quran", *Social welfare quarterly*, Ninth year, No. eighteenth

- Reshadati, Jafar, 2008, Prevention of crime in Quran, Tehran, Office of applied police preventive researches
- Rezaei, Mohammad Mahdi, 2005, Article "The place of the uterus in Islamic culture", Treasure magazine, No. fifty one
- Sotoudeh, Hedayatullah, 2005, Social Pathology (Sociology of Deviations), Thirteenth Edition, Tehran, Voice of Light
- Fajri, Mohammad Mahdi, 2010, Article "The Rites of the Patient's Visit and Its effects, Journal of the missionaries, No 127
- Qharaati, Mohsen, 2004, Tafsir Noor, Tehran, Center for Cultural Lessons from the Quran.
- Colayni, Mohammad ibn Yaqub, 2007, Sufficient Principles, Translation and Explanation of Seyyed Mehdi Ayat Allahi, First Edition, Tehran, Jahanara.
- Mohammadi Eshtehardi, Mohammad and Mohammad Taghi Abdoos, twenty-five principles of the ethics of the Imams, First Edition, Qom, Propaganda office of the Qom seminary
- Momtaz, Farideh, 2002, Social deviations, First edition, Tehran, Public Joint Stock Company
- Mousavi Khomeini, Rohullah, Tahrir al-Vasileh, Translation by Ali Islami, Qom, Islamic publications office affiliated to the Qom seminary society of teachers.
- Vaziri Yazdi, Seyyed Hamid, 1991, Khums: Jurisprudence-historical review, Master's Thesis, Imam Sadiq University.

B) Arabic References

Quran

- Ibn Babevayh Oomi, Mohammad ibn Ali ibn Hussein (Sheikh Saduq), 1943, Reward of actions, Qom, Sharif Razi.
- Ibn Babevayh Qomi, Mohammad ibn Ali ibn Hussein (Sheikh Saduq), 1938, Integrity of religion, Qom, Home of Islamic books.
- Ibn Babevayh Qomi, Mohammad ibn Ali ibn Hussein (Sheikh Saduq), 1966, Khesal, Qom, Qom teachers society
- Ibn Tamimi Maghrebi, Noman ibn Muhammad, 1964, Daaem al-Islam, Encyclopedia of Egypt
- Barghi, Ahmad ibn Muhammad ibn Khalid, 1950, Al-Muhasen, Qom, Home of Islamic books.
- Horre Amali, Mohammad ibn Hassan, 1955, Al-Shi'a, Qom, Al-Albayt institute.
- Helli, Ibn Fahd, 1953, Odat aldaei, Qom, Home of Islamic Books.
- Deylami, Hasan ibn Abi Al-Hassan, 1954, Banners of religion, Qom, Al-Albayt institute.
- Saffar, Mohammad ibn Hassan ibn Foroukh, 1950, insights of religion, Qom, Ayatullah Marashi Library.
- Tabarsi, Fazl ibn Hassan, 1951, Magma olbayan in interpretation of Quran, Tehran, Nasser Khosrow.
- Tabarsi, Hasan ibn Fazl, 1958, Makarem al-aklagh, Qom, Sharif Razi
- Tabarsi, Abolfazl Ali ibn Hasan, 1964, Meshkat al-Anwar, Najaf, Heidarieh library
- Tusi, Abu Jafar Mohammad ibn Hasan, 1944, Tahzib al-Ahkam, Tehran, Home of Islamic Books.
- Majlisi, Mohammad Bagher, 1950, Behar al-Anwar, Qom, Al-Wafa Institute.

c) English references

- Hirschi, Travis, (2002), Causes of Delinquency, Transaction Publishers
- Regoli, Robert M & Hewitt, John D & Delisi, Matt, 2009, Delinquency in Society, Jones and Bartlett Publishers.

Vito, Gennaro F&Maahs, Jeffrey R&Holmes,Ronald M, 2006, Criminology: Theory, Research and Policy, Jones and Bartlett Publishers